

نو یسنده : کوزا مبی

داهستان سکه در هند و مهتان

تر جمه هما یون

در زندگی امروز بقدری بایول فلزی (سکه) سرو کار داریم که مشکل است باین فکر بیفتیم که این متاع هر دل عزیز زمانی هم وجود خارجی نداشته است، ولی باید دانست که مردم (موهن جودارو) و (هراپه) در پنج هزار سال پیش از امروز، احتیاجات خود را بی منت آن رفع میکردند. درین شهرها که مملو از خانه های تاجران ثروتمند بود و هر یک در حدود یک مربع میل وسعت داشت، هیچگونه سکه بی رواج نداشت، همچنانکه در اکثر سایر بلاد عالم از آن خبری نبود. زمانی هم مردم وادی سند معمولا پارچه های نقره را میبردند ولی چون این پارچه های نقره دارای ضرب و نقشی نبود آنها را نمیتوان سکه خواند. ازین پس نقره مهمترین معیار داد و ستد در بازارهای هندوستان تا عصر ما، باقی ماند. این حقیقت را کلمه «روپیه» بخوبی نشان میدهد. طلا در معاملات روزانه خیلی اهمیت یافت، مس، سرب و سایر مخلوط فلزات ارزان هم بحیث سکه بکار میرفت ولی چون این سکه ها چندان بدقت ریخته نشده بود جایی برای خود در بازارها قایل نگردد.

اولین بار در ۷۰۰ ق.م. سکه دفعه نه تنها در هندوستان پدید آمد بلکه در بسیاری از نقاط دنیا بوجود آمد و رواج یافت. قدیمترین سکه های هندوستان پارچه های نقره ایست که بوزن معین، مانند آنهایی که در دو هزار سال پیشتر در موهن جودارو رایج بوده، برش یافته بود. بعلاوه این سکه ها دارای چند نقش غیر منظم هم بوده است که هر یک ازین نقوش گویا جدا گانه و توسط آلات متفاوت صورت گرفته و بنابراین امروز دیدن صورت کامل هر نقش آن قدری مشکل مینماید. این سکه ها که از قدیمترین سکه های هند نمایندگی میکنند، همان علتی که ذکر شد، سکه های

شکلی بی نامیده شده است. این سکه ها از لحاظ وزن بدومعیار جداگانه انکشاف کرد که ازان جمله یکی قریب يك توله بوزن رویه کنونی بود ولی بخاطر باید داشت که این تحول پسانها در تکسیلا نزدیک - رحداث ما، صورت گرفته است. سکه اصلی در حدود (۵۴) نخودوزن داشت و شاید مطابق کارشاپانای ذکر شده در اسناد باستانی ما باشد. يك روی اولین کارشاپانا کاملاً بی نقش یا نوشته میبوده و تجار در اوقات مختلف مارک های خفیف خود را روی آن ضرب میزدند. گویا تجار مذکور تشکیلاتی داشته اند که بکمک آن وزن سکه را پیوسته آزمایش میکرده اند و پس از آزمایش مارک خود را زینت افزای آن می نمودند. قدری پس از ولی نه دیرتر از ۶۰۰ ق م. پادشاهان آغاز به ثبت مارک های دولتی خود بر يك روی سکه نمودند. مارک های دولتی خانواده شاهی کولا چار نوع و از خانواده شاهی ماگادا و غیره پنج نوع بوده است. تجار همچنان به روش ثبت کردن مارک خود بر يك روی سکه مانند پیش، ادامه دادند. بارچودیکه این سکه ها شکل نامرغوبی دارد از لحاظ وزن همان اندازه دقیق است که سکه های ضرب ماشین های امروز. بعد از آنکه در عهد امپراطوری موریا در ۳۰۰ ق م. تجارت ترقی کرده، پول رایج سخت صدمه دید و سکه باندازه بی خوار و ذلیل شد که دونک آنها مس گردید، در حالیکه پیش ازان غالباً نقره بایک مقدار قلیل مخلوط مس و غیره بوده است. وزن سکه های دودمان موریا نیز مانند وزن سکه های ماگادا، دقیق نبوده است. در اخیر مارک تاجران دفعه از سکه های موریا ناپدید گردید و بجای آن مارک واحدی که از طرف ضرابخانه سلطنتی زده میشد در وقت مبادله سکه بعمل آمد.

مقارن این احوال توسط یونانیان ریختن سکه در هندوستان شناختا نده شد. اولین سکه ریخته شده ازان پوشیا میثرا، از خانواده سنگا، میباشد که در حدود (۱۸۰ ق م) میزیسته است.

نکات بارز سکه در دوره های مابعد خلاصه ذکر میشود: کوشان شاهان (۱)

(۱) کوشا نیان یا کوشان شاهان شامل دو خانوادہ سلطنتی بوده و کنیشکای کبیر معروفتربین شاهنشاه افغانستان قبل از اسلام مربوط به خانوادہ دوم آن بوده است. کوشانیان در حدود دو صد سال سلطنت نموده و از کانون سلطنت خود فتوحاتی در خاکهای مجاور نمودند. سکه های آنها در افغانستان و هندوستان به تعداد کثیری بدست آمده است. همایون

سکه های خیلی قشنگ طلائی داشتند. يك عده سکه های طلائی دوره گوپتا هم از هندوستان بدست آمدند. است ولی در آن دوره پول رایج مهر-م، مثل نقره، آغاز بخراب شدن کرد. سکه های نقره بی هندوستان از بسیاری جهات نامرغوب شده رفت. چنانکه هیچ يك آن را نمیتوان با سکه های قشنگ یونانیان، از اسکندر تا آخر، مقایسه کرد.

امپراتوری بزرگ هارشه سکه نداشته است. در حقیقت سیاحان چینی، که در زمان خاندان گوپتا و هارشه سیاحت کرده بما خبر داده اند که در هندوستان و در بازارهای آن سکه بندرت بکار میرفته و آنچه مورد استفاده قرار داشته پوش کوری (کودی) بوده است. گذشته از آن معاملات بصورت آ زاد و مبادله جنس بجنس انجام میمانند ولی متذکر باید شد که در جنوب هندوستان خزانه های سکه های (کشانراپه) و (سته وهانه) وجود داشته و قابل تعجب درین مورد این نکته است که در بعضی جایها سکه های سربی بر نقره بی رجحان داشته است و این شاید از آن جهت بوده است که مردم آن قسمت بیشتر بابدویان سرو کار داشته اند.

در دوره اسلامی سکه راه جدا گانه بی را پیش میگیرد، بدین طریق که تصاویر جای خود را بکلمات و جملات خالی میکنند ولی البته چند استثنا بی هم هست. شاید مورد تعجب واقع شود اگر بگوئیم که علاء الدین خلجی (۱) خزانه داری از مردم چین داشته است که این شخص يك سند دقیق و واضحی از انواع سکه مغلو طهای فلز که در ضرابخانه دهلی عمل میشده و نیز سیاهه بی از انواع سکه های سایر پادشاهان را بدست میدهد. ولی بعد از آن سکه و سکه شناسی اهمیت خود را در هندوستان باخت معینا مورخان تا اندازه بی بان علاقه نشان میدادند. اولین سکه که ضرب ماشین توسط انگلیس ها در هند رواج یافت که آنهم برای شرکت هند شرقی و برای آخرین امپراتور مغولی هند عمل میشده است و چنانکه امروز میبینیم بجای سکه های قیمت دار مانند طلا و نقره سکه های نمونه ضرب زده میشد. باید گفت این کار هم در هندوستان نو نیست، زیرا

(۱) علاء الدین محمد شاه خلجی از شاهان مغول و افغان در هندوستان بوده است. او وقتی بفرماندهی قوای جلال الدین فیروز شاه در جنوب هندوستان فتوحات درخشان نمود. زمانی که خودش بساطت رسید و دشمنان خود را مغلوب نموده مولا بضر ب سکه پرداخت. علاء الدین خلجی در سکه های اسکندر ثانی خوانده شده. سکه های او مورد پسند مردم واقع شد.

محمد تغلق (۱) ، در قرن ۱۴ کو شید که یک نوع سکه نو نه را در قلمرو خود
رایج کند ولی اجتماع که باندازه لازم رشد نیا فته بون از قبول آن ابا و ورزید و
بنا بران سکه های مسی اوباءث افلاس خزا نه گردد .

(۱) محمد تغلق از شاهان بسیار معروف افغان در هندوستان بوده است . سکه های این
پادشاه هم از حیث تنوع و هم از جبهه تا زگی جالب است . از جنبه های بختگی هنری ، طرح ،
و بخت و رواج و خاصه از لحاظ انعکاس بر معنی شخصیت سلطان در سکه های قابل تمجید
و توصیف است . مطالبی که در سکه های این سلطان نقش شده دلالت بران میکنند که
بسیار میخواسته مردم از سکه های او استقبال نیکو بکنند . در سکه های او نه فقط
مضامینی از قرآن شریف دیده میشود بلکه مطالبی هم هست که میخواسته با نقش کردن
آنها مردم را بکمک خود تشویق و تبلیغ کنند . چنانکه در یک نوع سکه چنین است :

من اطاع السلطان

فقد اطاع الرحمان

شاید سلطان ازین امر دو نظر داشته : یکی مفاد اقتصادی و البته دیگر آن در عرصه
سیاست منظور بوده است . از همین جبهه نام خلیفه بغداد را هم بحیث آله بی در سکه خود
جا داده بود چنانکه در ۷۴۲ هجری آنهم ازین رفت و محمد تغلق پس ازین به پیشوای
معنوی توجه داشته که تصویب سلطنت و تسلط خود را بر هون او بوده . مطالب ضرب شده
در سکه او با سم خلیفه المستکفی ازین قرار است :

المستکفی بالله امیر المؤمنین

مطالب راجع بخلیفه الحاکم دوم هنوز ساده تر میشود :

الله

الحاکم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چنانکه ازین کلمات استنباط میشود سلطان تا حد زیادی خود را در وجود
پیشوای حقیقی جاویدان و اسلام مجدد و بپنماید (اند و ایرا نیکا سال (۱۰)
شماره (۲) « همایون »

غزل فلا شید ای فتح پوری

اگر کپسو گشایی نافه را خون در جگر پیچی

وگر رخسار بنم - با بی شب مسا در سحر پیچی

بدین حسن تو انگر زلف چون دلق گدا داری

که گاهی سا بیان رخ کنی گه در کمر پیچی

فسونگر داند آن خاکی که از وی بوی مار آید

شناشم بوی زلفت را اگر در مشک تر پیچی

اگر من با تو پیچم چون هوا با شعله در پیچم

تو پیچی گر بن چون شعله با خاشاک در پیچی

چرا ای ناله در نا نامیم بس گرم بازاری

دعای مستجابی نیستی تا به - را اثر پیچی

ز پیچا پیچ زلفت پیچ در پیچ است کار من

چرا بر سنبل بر پیچ خود پیچ دگر - پیچی

طریق سهل باشد نام نادان بر زبان راندن

نباشد از هنر شیدا اگر - را با بی هنر پیچی

غزل باقی قابل زاده

از جنگ قلمی قرن ۱۱

شبی کان شام کاکل را بگرد سر پیچی

ز صبح بخت میخو اهم که با من تا سحر پیچی

تو میدانی چه نیکو طالعی داری تو ای کاکل

که بر او گردانم همه جبینان اینقدر پیچی

ترا مطلب اگر تسخیر ایمان نیست ای کافر

چرا زلف سیاهت را بروی چون قمر پیچی

ز پیچ پیچ زلفت بنخود چون مار پیچم

دمی کان سنبل بر پیچ را دور کمر پیچی

نشد سو دای آن جعد مسلسل از سرم بیرون

چرا ناصح چو مجنونم بزنجیر دگر پیچی

چرا گشتی بشمشیر دو بروی بتان مابدل

اجل بر گرد سر داری که با تیغ دو سر پیچی